

در فضیلت بی عملی

گرفتن درس زندگی
از دل بازی ویدئویی

صوفیا نصرالهی

روزنامه‌نگار

۱ زمان کودکی و نوجوانی ما، وقتی ویدئوها آمدند و بعد ماهواره‌ها، همه از غول ترسناکی به‌اسم تهاجم فرهنگی حرف می‌زدند که ممکن بود کانون گرم خانواده‌ی ایرانی و آن مهر و محبت باستانی را نابود کند! راست‌اش این‌روزها به‌نظرم باید درها را باز کنیم تا اتفاقاً از آن طرف دنیا فیلم‌هایی را ببینیم که درباره‌ی عشق و دوستی ساخته می‌شوند که در ایران خودمان به هزار دلیل روانی، اجتماعی و اقتصادی خیلی‌ها از آن فراری هستند و می‌ترسند. چرا این موضوع به‌نظرم رسید؟ چون امروز می‌خواهم برای‌تان از یک بازی پلی استیشن بنویسم که به‌نظرم درس زندگی است. بازی‌هایی که این‌روزها در کنسول‌ها و پلتفرم‌های جهانی می‌درخشند، لزوماً مبلغ گسست و انزوا نیستند؛ برخلاف چیزی که امکان دارد در ذهن خیلی‌ها باشد. گاهی عمیق‌ترین و جذاب‌ترین درس‌ها در باب همکاری، کنار هم بودن، همدلی و اهمیت رابطه در دل طرح‌های داستانی و فرمی این بازی‌ها - که شبیه انیمیشن‌های این سال‌ها مخاطب‌شان از هر سنی می‌توانند باشند - جلوه‌گر می‌شوند. من اهل بازی‌های کامپیوتری و پلی استیشن نیستم اما هفته‌ی پیش دو ساعت و نیم پای یک بازی ساده، خلاق و هنرمندانه‌ی دونفره به‌اسم «باز کردن» (unravel) نشستیم و واقعاً تحت‌تاثیر جادوی ایده‌اش قرار گرفتیم. دو تا شخصیت کاموایی که نه شبیه انسان اند، نه هیچ موجود زنده‌ی دیگری، با نخ‌ی به‌هم‌وصل‌اند و باید مسیری را بروند که نمی‌توانند از هم فاصله‌ی زیادی بگیرند. همچنین گاهی برای عبور از موانع باید با فشار یک دکمه، یکی روی شانه دیگری بپرد و یکی بشوند و گاهی برای حل معما، نیازمند این هستند که هر دو کاری انجام‌دهند، نه اینکه فقط یکی دنباله‌روی دیگری باشد. از فضا و کارگردانی زیبای بازی و این‌ها گذریم، ایده در ذات‌اش محشر است. تمام آنچه روابط انسانی برای برپا شدن باید درک کنند. فهم اینکه چطور کنار هم باشیم، چقدر از حالت عادی به یکدیگر نزدیک‌تر شویم و چقدر باید به دیگری اعتماد کنیم. بی‌افراق از هر اثر هنری دیگری که افسال خواندن، شنیدن و دیدن‌اش را تجربه کردم، در زمینه‌ی روابط انسانی بالغانه‌تر، عمیق‌تر و فلسفی‌تر بود. چیزی را یادآوری می‌کند که ترس‌های روانی فردی، اجتماعی و اقتصادی باعث می‌شود از یاد ببریم. اینکه ما انسانیم و نیاز به همراه، همدم و دوست داریم؛ چه در مسیرهای دل‌انگیز و چمن‌های باران خورده، چه وقتی گلوله‌های آتش سر راه است. فقط حضور دیگری (دیگران) باعث ادامه‌دادن می‌شود.

۲ حرف‌های سخنگوی دولت را شنیدم که در جواب شایعه‌ی بهره‌افشان دوباره‌ی گشت ارشاد -حالا طبق هر نام دیگری- ضمن ابراز بی‌اطلاعی و اینکه از وزیر کشور جویا می‌شود، گفت به‌حال بخشی از بدنه‌ی مملکت مذهبی هستند و شما بگویید چه کنیم. راست‌اش در این چندماهه به‌نظرم عکس‌هایی که این طرف‌وآن طرف دیدیم گویا بود که چه باید کرد. باید اجازه داد مردم خودشان با هم گفتگو کنند و به هیچ طرفی مجوز خشونت علیه عقیده‌ی دیگری را نداد. این مدت در کوچه و خیابان کم ندیدیم که با حجاب کامل و بی‌حجاب کنار هم راه رفتند، در یک کافه سر میز نشسته بودند و یکدیگر را آن چنان که دیگری بود، پذیرفتند. مدت‌هاست که ۸۰ میلیون نفر جمعیت ایران سر هیچ چیزی با هم توافق ندارند. سر محکوم کردن غرب و شرق، سر اقتصاد و سیاست و حتی تیم ملی فوتبال با هم گلاویز می‌شوند. قدر این یک موردی را که یاد گرفته‌ایم با مسالمت یکدیگر را بپذیریم، باید دانست. الان هر چیزی را که باعث نزدیک‌نشدن بخش بزرگتری از این ۸۰ میلیون نفر به یکدیگر شود، به فال نیک بگیریم و از هر حرکتی که امکان دارد مردم را آزرده و دل‌چرب کند، بهره‌بریم. این کاری است که دولت و همه‌ی نهادهای دیگر باید الان انجام‌دهند و راست‌اش سخت هم نیست. راه‌اش بیشتر این است که کاری نکنند.

۳ مدت‌هاست که امیدم فقط به بچه‌هاست و در نتیجه کسانی که در راستای بالندگی بچه‌های این مرزوبوم کار درست انجام می‌دهند، برابم محترم و عزیز می‌شوند. نمایش «باغ بی‌آلبالو» کار لیلی رشیدی و محمد عاقبتی که بازیگرانش هنر جوانان این دو نفر بودند، حالم را خوش کرد. نمایشی که در اجرا، امتیاز قبولی می‌گرفت؛ وگرنه صرف حضور بچه‌های هنر‌جودر یک نمایش، امتیازی محسوب نمی‌شود. مهم این بود که این بچه‌ها درک و دریافت درستی از نقش‌ها و متن‌شان داشتند. متن چخوف جوری ایرانی‌زه شده بود که بتوانند درک‌اش کنند. ما محتاج چنین اتفاقاتی هستیم؛ اینکه حالا که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانانی به‌معنای گذشته وجود ندارد، اتفاقات فرهنگی و هنری خصوصی باعث رشد فکری بچه‌ها شود که آینده‌ی ایران دست آن‌هاست.

۱۶

۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com

@Hammihanonline

• صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۰۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۰۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۰۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



عکس: ایران

اتهام آقای بازیگر

بررسی یکی از عجیب‌ترین پرونده‌های قضایی منجر به تجاوز
در گفت‌وگو با دو تهیه‌کننده سینما

سپهر خرمی

گزارشگر هم‌میهن

ظهر دیروز خبر بازداشت یکی از چهره‌های سرشناس سینما و تلویزیون که پیش‌تر فوتبالیست مشهوری نیز بوده، سروصدای زیادی به‌پا کرد. طبق این خبر که به‌سرعت در رسانه‌های ایران پخش شد، یک دختر ۲۰ ساله با مراجعه به مراجع قضایی، از این فرد مشهور به اتهام «تجاوز به عنف» شکایت کرده و پس از تفهیم اتهام و رسیدگی‌های اولیه، این بازیگر به بازداشتگاه منتقل شده است. رسانه‌های نویسنده که پرونده با شکایت «شاکي خصوصی» و بررسی‌های فنی و کارشناسی آغاز شده و جلسه تحقیقاتی غیرعلنی برگزار شده است. گزارش‌ها همچنین می‌گویند که بنا بر اطلاعات منتشرشده، این بازیگر سرشناس پس از تبدیل قرار وثیقه به قرار بازداشت به واحد ۳ زندان قزل حصار (واحد نگهداری متهمان جرائم سنگین) منتقل شده است. جزئیات شکایت، زمان و مکان ادعا و ادامه روند قضایی، تا اعلام رسمی مقام قضایی در حال پرورزسانی است. در این گزارش قصد داریم رویای دیگری از این پرونده را در گفت‌وگو با افراد نزدیک فرد متهم مورد نقد و بررسی قرار دهیم. گفتنی است باتوجه به اینکه پرونده در مرحله بررسی است و شخص طرح‌شده در گمانه‌زنی‌ها، فعلاً صرفاً یک متهم است و نه مجرم، از نوشتن نام کامل او خودداری کرده‌ایم.

آغاز پرونده و نحوه انتشار خبر

براساس گزارش‌ها، افشای اولیه ماجرا با انتشار پستی از سوی یکی از مدیران رسانه‌ای، سپس با زتاب در چند خبرگزاری صورت گرفت. رسانه‌ها نوشته‌اند که «چندی پیش» شاکي با مراجعه به پلیس آگاهی با مرجع قضایی، از یک بازیگر سینما به اتهام تجاوز شکایت کرده است و پس از پیگیری‌های کفیری، متهم احضار و تفهیم اتهام شده است. در پی این گزارش‌ها، خبرگزاری‌ها از انتقال متهم به قرنطینه واحد ۳ زندان قزل حصار خبر داده‌اند که واحدی است برای نگهداری متهمان جرائم سنگین. متن خبرها به‌نقل از منابع خبری داخلی (از جمله رسانه‌های آنلاین و خبرگزاری‌ها) منتشر شده است.

ادعای شاکي

چند خبرگزاری از صبح دیروز نوشتند که شاکي پرونده دکت ۲۰ ساله است که با مراجعه به مراجع قضایی اعلام کرده، بازیگر مورد نظر او را فریب داده و بعد از بستن دست و پایش، او را به خانه خود برده، سپس مورد تجاوز قرار داده است. گزارش‌ها می‌گویند که شاکي مدعی شده، متهم ابتدا با وعده همکاری در پروژه‌های سینمایی او را جذب کرده، سپس به مکانی برده و به او تجاوز کرده است. منابع خبری به‌صراحت می‌گویند، این اطلاعات براساس شکایت مطرح‌شده و اظهارات شاکي در مراحل اولیه رسیدگی است؛ یعنی این موارد ادعاهای مطرح‌شده در شکایت‌اند و هنوز حکم قضایی قطعی درباره حقیقت موضوع صادر نشده است.

روند قضایی تا این لحظه

نکته قابل توجه اینکه بسیاری از رسانه‌ها بدون تحقیق خاصی، نام متهم را به‌صورت کامل نوشتند اما نام فرد شاکي را به‌طور کامل، مخفیانه پوشش دادند و با «دختر ۲۰ ساله» به این مسئله بسنده کردند. با پیگیری خبرنگار هم‌میهن، در پایان جلسه روز گذشته، قرار وثیقه تبدیل به قرار بازداشت شده و متهم به واحد قرنطینه زندان قزل حصار منتقل شده است. رسانه‌ها همچنین نوشته‌اند که این واحد، محل نگهداری متهمان به جرائم سنگین از جمله قتل و تجاوز است. تا زمان انتشار این گزارش‌ها، منابع رسمی قضایی یا دادسرا، بیانه مبسوطی منتشر نکرده‌اند و اخبار منتشرشده مبتنی بر گزارش‌های رسانه‌ای و خبرگزاری‌هاست.

سابقه و افکاش‌ها در رسانه‌ها

گزارش‌های منتشرشده تأکیدی می‌کنند که موضوع در فضای رسانه‌ای داخل ایران، بازتاب گسترده‌ای داشته و خبر درباره بازداشت این چهره سینمایی و ورزشی در صفحات خبری و شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شده است.

برخی سایت‌ها توضیحات تکمیلی درباره نحوه انتقال متهم و جزئیات جلسه تحقیق نوشته‌اند، و در عین حال شمار دیگری از رسانه‌ها بر این نکته تأکید کرده‌اند که باید تا اعلام نظر رسمی مراجع قضایی صبر کرد. تا زمان نگارش این گزارش، نقل قول‌های رسمی از طرف متهم، وکیل یا مقام قضایی که همه جزئیات مطرح‌شده را تأیید یا رد کند، در دسترس عموم قرار نگرفته است.

پرونده بنجامین مندی؛ تبرئه در انگلستان

برای مقایسه با نمونه‌های بین‌المللی می‌توان به پرونده بنجامین مندی، مدافع فرانسوی سابق منچستر سیتی، اشاره کرد. مندی، متهم به چندین اتهام جنسی علیه چند زن شد و پرونده او در محاکم انگلستان مطرح گردید؛ پس از دادرسی طولانی و دو مرحله محاکمه، هیئت منصفه نهایتاً در چند نوبت او را از برخی یا همه اتهامات تبرئه کرد. منابع معتبری مانند گاردین، خبرگزاری‌های بین‌المللی و نیز بازتاب‌های فارسی گزارش کرده‌اند که مندی از همه اتهامات تبرئه شد و در پی آن، درباره خسارت حقوقی و حقوق معلق‌شده او نیز پرونده‌های دیگری باز شد. مندی در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد، رسانه‌ها برای همیشه آبروی او را بردند و در حالی‌که او از تمام اتهامات تبرئه شده است، دیگر نمی‌تواند به زندگی عادی برگردد. مندی می‌گوید، وقتی یک هجمه رسانه‌ای باورنکردنی و ناحق علیه او شکل گرفت، او بارها فریاد زد که بی‌گناه است اما رسانه‌ها حرف او را جدی نگرفتند و بیشتر سمت افراد شاکي را گرفتند. مندی در یک نشست خبری که با گریه صحبت می‌کرد، گفت حالا که تبرئه شده آیا رسانه‌هایی که او را قضاوت کرده بودند باعث شدند قرارداد او با باشگاه منچستر سیتی فسخ‌شود، می‌توانند آبروی از دست‌رفته‌را به‌بازگردانند؟ نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که وجود شکایت یا اتهام، لزوماً به‌معنای محکومیت نیست و فرآیند دادرسی، شواهد و تصمیم هیئت منصفه یا قاضی تعیین‌کننده نهایی‌اند. بنابراین برخی رسانه‌ها در مقایسه این دو پرونده تأکید دارند که باید تا پایان مراحل قضایی و صدور حکم قطعی صبر کرد.

افراد نزدیک به متهم چه می‌گویند

خبرنگار «هم‌میهن» برای پیگیری بهتر ماجرا با دو تهیه‌کننده سینما که ارتباط نزدیکی با فرد متهم دارند، گفت‌وگویی انجام داد که به‌رسم امانت، از انتشار اسامی آن‌ها معذوریم اما هر دو تهیه‌کننده سینما اعلام کردند که این پرونده برای یکی، دو ماه اخیر است که آقای بازیگر درگیر آن شده و قطعاً او بی‌گناه است. از نظر آنها این اتهام صرفاً بازی با آبروی این بازیگر است و او قطعاً تبرئه می‌شود. هر دو تهیه‌کننده از قول فرد متهم نقل قول کردند که او می‌گوید، هیچ‌وقت تجاوز نکرده و قطعاً این یک پاپوش بزرگ علیه اوست. گفتنی است عصر دیروز خبرگزاری ایرنا با انتشار مطلبی مدعی شد که اتهام آقای پ.ج موضوع تازه‌ای نیست و این هنرمند سال‌ها پیش نیز با اتهام مشابهی روبه‌رو شده بود. با این حال در اقدامی غیرمنتظره، ایرنا ساعاتی بعد خبر را از خروجی خود حذف و آن را تعلیق کرد. یکی دیگر از مسائلی که آقای بازیگر با آن درگیر بود، ماجرای زندگی خصوصی‌اش بود که چندماه پیش بدلیل اختلاف شدید با همسر خود، از او طلاق گرفت و زندگی‌اش دچار چالش جدی شد. با این حال یکی از وکلای فرد متهم، در گفت‌وگو با «هم‌میهن» اعلام کرد: «برای جلوگیری از حواشی بیشتر، مصاحبه نمی‌کند تا طی روزهای آتی روند دادرسی مشخص شود». وکیل این پرونده افزوده است: «پرونده در مرحله تحقیقات است و هیچ موضوعی ثابت نشده است. از رسانه‌ها نیز تقاضا داریم به موضوعاتی که ثابت نشده دامن نزنند تا حواشی بی‌دلیل و کذب شکل نگیرد.»

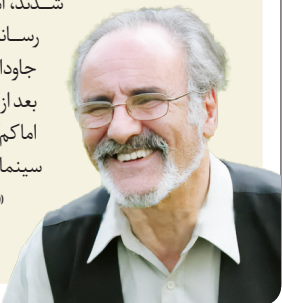
شاکي هم بازیگر است

در ادامه رسیدگی به پرونده قضایی مربوط به «پ.ج» منابع آگاه اعلام کردند که فرد شاکي در این پرونده نیز از فعالان حوزه بازیگری در سینما و تلویزیون است. براساس این گزارش، این دختر جوان پیش‌تر در چند اثر شناخته‌شده حضور داشته و نام او در فهرست بازیگران فیلم «ماجرای نیمروز ۲: رد خون» به کارگردانی محمدحسین مهدویان ثبت شده است. او همچنین در مجموعه تلویزیونی «جزر و مد» نیز ایفای نقش کرده است. باتوجه به حساسیت پرونده و ادامه روند بررسی قضایی، هویت این فرد به‌صورت رسمی اعلام نشده و مراجع قضایی تا کنون جزئیات بیشتری در این خصوص منتشر نکرده‌اند.

چهره

قدر نادیده

صبح ۳۰ مهرماه ۱۳۸۴، فریدون گله کارگردانی که از ساخت آخرین فیلم‌اش قریب به سه‌دهه می‌گذشت، در تنهایی و در اثر سکنه قلبی، در متل قوی مازندران درگذشت. در آمریکا در مدرسه‌ای که اسکورسزی، جین همکن و فی دانوی نیز درس می‌خواندند، سینما آموخت و وقتی به ایران بازگشت، مقارن شد با سال‌هایی که موج نوی سینمای ایران داشت شکل می‌گرفت. او البته چندان در پی هویت‌یابی خود در دوگانه موج نو و فیلمسازی نبود. از قضا فیلم‌های اول‌اش را نیز باید در زمره سینمای فیلمسازی قرار داد. با این‌همه حتی در اثری همچون «دشنه» هم می‌شد ظرافت‌هایی را دید که خبر از تولد سینماگری متفاوت می‌داد. با سه‌گانه «زیر پوست شهر»، «مهر گیاه» و «کندو» که ظرف سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۴ ساخته شدند، اما لحن و زبان متمایز خود را به اثبات رساند و بی‌ادعا نام خود را در سینمای ایران جاودانه کرد؛ چنانکه اگر چه‌گاه در سال‌های بعد از انقلاب، سینمای او نادیده گرفته شد، اما کم‌کم با افزایش مرور غیرایده‌ولوژیک تاریخ سینمای ایران، قدر او به‌خصوص شاهکارش «کندو»، بیشتر دانسته‌شد و حق‌اش ادا شد؛ هر چند کمی دیر.



کتابخانه

در دفاع از علوم انسانی

کتاب «نه برای سود: چرا دموکراسی به علوم انسانی نیاز دارد؟» را باید یکی از جانانه‌ترین دفاعیه‌ها از علوم انسانی در زمانه‌ی دانست که روزبه‌روز و بیش از پیش تردیدهای پوپولیستی درباره اهمیت و نقش موثر این علوم در بهبود وضعیت انسان معاصر فزونی می‌گیرد. مارتا نوسباوم، نویسنده این کتاب را می‌توان یکی از مهمترین فیلسوفان امروز جهان دانست که در این کتاب که در سال ۲۰۱۰ میلادی منتشر شد، با شوری که در نثر اثر بازتاب یافته است، از اهمیت هنرهای آزاد و علوم انسانی در تمام سطوح آموزش دفاع می‌کند. نوسباوم می‌گوید، در گذشته برای ما مسلج بود که تربیت شهروند دموکراتیک، بدون توجه به آموزش پرورش ناممکن است. در دهه‌های اخیر اما هدف‌گذاری نظام آموزشی به افزایش بهره‌وری اقتصادی تغییر جهت داده است؛ نه پرورش افرادی آگاه، هم‌دل، مولد و بر خوردار از تفکر انتقادی. به‌نظر نوسباوم، نتیجه چنین چرخشی مصیبت‌بار خواهد بود و جهان را به جولانگه‌ای برای استبداد و فقر بدل خواهد کرد. در اهمیت این کتاب همین بس که به ۲۵ زبان ترجمه شده است.



کتاب:

نه برای سود

نویسنده:

مارتا نوسباوم

مترجم:

علی مرشدی‌زاد

انتشارات:

سروش مولانا

تاریخ

روز جهانی توجه به لکنت زبان



۲۲ اکتبر

روز جهانی آگاهی از لکنت زبان

از سال ۱۹۹۸، بیست‌ودوم اکتبر به‌عنوان روز جهانی توجه به لکنت زبان نامگذاری شده است. هدف از این نامگذاری، افزایش آگاهی عمومی نسبت به ناروانی گفتار است. لکنت زبان اختلالی گفتاری است که با تکرار اصوات، سیلاب‌ها یا کلمات، کشیدن او‌ها و وقفه در کلام همراه است. افرادی که به لکنت زبان دچارند، می‌دانند چه می‌خواهند بگویند، اما در تولید جریان عادی کلام مشکل دارند. حدود یک‌درصد از جمعیت کل جهان از این اختلال گفتاری رنج می‌برند. لکنت زبان می‌تواند فرد مبتلا را در برقراری ارتباط با دیگران دچار مشکل کند و اغلب بر کیفیت زندگی و روابط شخصی او اثر می‌گذارد. لکنت زبان عمدتاً از جز در موارد استثنایی، پدیده‌ای خاص دوران کودکی است و معمولاً از سنین دو تا چهار سالگی شروع می‌شود. در سنین شش تا هفت سالگی، مقارن آغاز دوران مدرسه نیز امکان بروز لکنت زبان در کودکان مستعد چنین امری، افزایش می‌یابد. در برخی موارد نیز افرادی که قبلاً به‌نحوی لکنت زبان داشته‌اند، در دوران بلوغ دچار لکنت زبان می‌شوند. امروزه از روش‌های زبانی بیا تلفظی، روش دوجانبه یا مکمل روان‌درمانی- دارودرمانی و روش رفتار درمانی برای درمان لکنت زبان استفاده می‌شود.